

رنگین کمان ”هشت کتاب“

بررسی بسامد رنگها در شعر سهراب سپهری

دکتر محمد ناصری ☆

دکتر محمد صابری ☆☆

Abstract

Sohrab Sepehri was an extraordinary artist and literary figure of Iran in 20th century. He is rightly taken as one of the most famous modern style Persian poets who also shined in the western world through translations of his poems in many European languages. Sepehri's poetry offers different look and yet very simple, which distinguishes him from other modern Persian poets. He believes in faith, dignity and truthfulness. Being a prominent painter, he has used so many colors e.g. green, white, black, blue, Persian blue, red, pink, yellow and brown etc in his poetry, which has been analyzed and evaluated in the article. This article reveals some undiscovered dimensions of Sepehri's wonderful poetic skills.

سهراب سپهری (۱۹۲۸-۱۹۸۰م)، از مهمترین شاعران و نقاشان

معاصر ایران، در کاشان به دنیا آمد. پدرش اسد الله، و مادرش مه جبین،

☆ عضو گروه زبان و ادب فارسی، دانشگاه پنجاب، لاہور

☆☆ عضو گروه زبان و ادب فارسی، دانشگاه پنجاب، لاہور

هر دو اهل هنر و شعر بودند. سپهری تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود سپری کرد، سپس عازم تهران شد و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. او در ابتدا به سبک کلاسیک و سپس به شیوه نیمه‌مایی شعر می‌سرود. اما با مرور زمان به سبک مخصوص خود دست یافت. به نظر منتقدان و سخن‌سنجان ادبی دفتر "حجم سبز" شیوه تکامل یافته سبک سپهری محسوب می‌شود. شعر سپهری بسیار صمیمی و سرشار از تصویرهای تازه است. او همواره همراه با زبانی نرم، لحنی لطیف و واژگان پالوده و پاکیزه و منسجم تصویرسازی می‌کند. کریم امامی (۱۹۳۰-۲۰۰۵م)، مترجم، ویراستار، نویسنده، روزنامه‌نگار و هم‌تراز همه دوست نزدیکی، سپهری در زمان حیاتش برخی از شعرهای وی را به زبان انگلیسی برگرداند. بعدها مترجمان دیگری نیز شعرهای سپهری را به زبانهای انگلیسی، اسپانیایی و ایتالیایی ترجمه کرده‌اند.

سهراب سپهری در هنر نقاشی از دستاوردهای زیبایی شناختی شرق و غرب بهره داشت، و این همه تأثیرها در آثار وی جلوه می‌نماید. او در نقاشی به شیوه‌ای موجز، نیمه انتزاعی دست یافت که برای مکاشفه‌های شاعرانه اش کارگشا بود.

سپهری در سال ۱۹۷۸م به بیماری سرطان خون مبتلا شد. در سال ۱۹۷۹م برای معالجه به انگلستان رفت، اما بیماری وی بسیار پیشرفت کرده بود، او به تهران باز آمد و در سال ۱۹۸۰م جان خود را به جان آفرین سپرد.

در شعر جدید فارسی، سهراب سپهری جایگاه ممتاز و رفیعی دارد. او هم‌زمان یک شاعر برجسته است و یک نقاش هنرمند. در شعر وی رنگهای نقاشی به چشم می‌خورد، و در عین حال نقاشیهای زیبایی وی

رنگ شاعرانه دارند. جالب بودن این مطالب، بیشتر از این جهت است که چند مسئله اساسی را در مورد اشعار سهراب سپهری مطرح می‌کند، و این نوشته کوششی است در جهت بازنگری به این مسایل و طرح و نقد آنان از دیدگاهی دیگر.

البته منتقدین نامدار ادبی باور دارند که سهراب از هر دو حیث شاعر و نقاش در میان شخصیت‌های قرن بیستم میلادی جایگاه ممتازی دارد، چون "سپهری همانقدر که شاعر بود، نقاش هم بود؛ و طبعاً شاعری نبود که از سر تفنّن شاعری کند و در عین حال نقاشی هم نبود که برای تفریح و در اوقات فراغت شعر بسراید." (مرادی کوچی، ص ۱۷)

سپهری اساساً یک هنرمندی بود، او شاعر نقاشی و نقاش شاعر حرفه‌ای بود. در طول تاریخ ادب فارسی هیچ شاعری دیده نمی‌شود که از نقاشی حرفه‌ای فرصت به دست آورده مسافر دنیای رنگها شده باشد. مجموعه کلام سهراب سپهری "هشت کتاب" نام دارد. (۱) مانند اغلب شاعران دیگر سپهری نیز به سبک سنتی شعر سرودن را آغاز کرد. اما شگفت آور است که او در سراسر مجموعه "هشت کتاب" حتی یک شعر به قالب کلاسیک را جای نداد. از یادمان نرود که در مجموعه اشعار نیما یوشیج (۱۸۹۲-۱۹۲۰م)، پدر شعر جدید فارسی، نیز غزلیات و قطعات و رباعیات یافته می‌شود. (۲) نخستین و واپسین دفتر شعری مهدی اخوان ثالث (۱۹۲۸-۱۹۹۰م)، یکدنده ترین پیرو نیما، به سبک کلاسیک است. (۳) حتی مجموعه اشعار فروغ فرخزاد (۱۹۳۵-۱۹۷۷م) نیز غزلیات به چشم می‌خورد. (۴) و در دفاتر شعری شفیعی کدکنی (متولد ۱۹۳۹م) نیز اشعاری در قالب‌های کلاسیک جای خوش می‌کند. (۵) اما سهراب مجموعه "هشت کتاب" را عمداً تنها با اشعار به سبک جدید مزین ساخت. استاد محمد رضا شفیعی کدکنی بر آن است که "خصوصیت

عمده شعر سپهری، ذوری هر چه بیشتر از منطق عادی قدیم است، یعنی گریز به دنیایی که مرزهایش مشخص نیست، هیچ خط فاصل و حد معینی ندارد، معنی را به زحمت می توان با واقعیت های ذهنی تطبیق داد، و همین نکته را در بعضی نقاشی های او می توان سراغ گرفت. (شفیعی کدکنی، مرادی کوچی، ص ۲۸۲)

سپهری مظاهرفطرت را در شعر خود می گنجاند و همچنین با توجه به اینکه نقاش حرفه ای هست، رنگها را در شعر خود به فراوان جای می دهد. البته می دانیم که "مقام سپهری نقاش به اندازه سپهری شاعر شناخته شده نیست و درباره تابلوهایش به اندازه شعرهایش سخن منتقدانه و مشفقانه به میان نیامده است". (مرادی کوچی، ص ۵۱)

این نظر هم ریشه گرفته است که "سهراب پینش اخلاقی دارد و از بالا به زمین نگاه می کند. درست تر این است که سهراب می خواهد با نقی عادت ها و تازه کردن نگاه تعینات را بردارد، چه وقتی تعینات از میان برداشته شود، همه چیز درهم می خورد و یگانه می شود." (حسینی، صالح، نیلوفر خاموش، ص ۲۱)

در مقاله حاضر بسامد رنگها در هشت کتاب سهراب سپهری مورد بررسی قرار گرفته است، می بینم که شاعر با استفاده از رنگهای متنوع به ساختن تصویرهای ناب نایل آمده است و در می یابیم که "سپهری بیش از هر چیز یک شاعر و هنرمند ناب است." (نفیسی، آذر، مرادی کوچی، ص ۸۲)

“رنگین کمان هشت کتاب”

رنگ سبز:

“سبز” رنگی است دارای گونه های بسیار زیاد، و از رنگهای اصلی افزوده بشمارد می رود. از نظر فرهنگی رنگ سبز معانی گسترده و

در برخی موارد متناقضی دارد. در برخی فرهنگها، رنگ سبز نماد امید و پیشرفت است. در حالیکه در برخی دیگر نماد مرگ، بیماری و شیطان است. اما به طور کلی رنگ سبز، یاد آور و تداعی کننده طبیعت است. در دین اسلام اعتقاد بر آن است که بهشت مکانی سرسبز می باشد، و این یکی از دلایل استفاده گسترده از رنگ سبز در فرهنگ اسلامی است، و بنا بر این رنگ سبز گویا نماد اصلاح و حاصلخیزی است. سبز، مثل اینکه محبوبترین رنگ سپهری است، چون او خودش عاشق طبیعت است، بلکه درست دارد همواره در کنار طبیعت زندگی کند. ملاحظه فرمایید:

- می پری از روی چشم سبز یک مرداب
یا که می شویی کنار چشمه ادراک بال و پر (ص ۷۰)
- چشم سبز: صفت و موصوف، معنای دستوری
چشمه ادراک: تشبیه بلیغ / تصویر ناب
- شب پر خواهش / و پیکر گرم افق عریان بود
رگه سپید مرمر سبز چمن زمزمه می کرد (ص ۸۰)
- شب پر خواهش: استعاره مکنیه / تصویر ناب
گرم افق عریان: تشخیص، حس آمیزی / تصویر ناب
رگه سپید، مرمر سبز چمن: صفت و موصوف
- و نسیم سبزی تار و پود خفته مرا لرزاند (ص ۱۲۵)
- نسیم سبزی: حس آمیزی / تصویر
- این دیوار روی درهای باغ سبز فرو ریخت (ص ۱۳۹)
- باغ سبز: صفت و موصوف
- من دیرین روی این شبکه های سبز سفالی خاموش شد (ص ۱۴۰)
- شبکه های سبز: صفت و موصوف
- انگشتم خاک ها را زیر و رو می کند
- ... تصویری می کشد، تصویری سبز: شاخه برگها (ص ۱۴۰)
- تصویری سبز: صفت و موصوف

- در شب سبز شبکه ها صدايت زدم،
- در صحر رودخانه، در آفتاب مرمرها (ص ۱۴۱)
- شب سبز: متناقض نمایی / تصویر ناب
- او، خدای دشت، می ریزد صدایش را به جام سبز خاموشی (ص ۱۴۶)
- جام سبز خاموشی: تصویر ناب / تشبیه بلیغ
- تراوش سیاه نگاهش، زمزمه سبز علف ها آمیخت (ص ۱۵۵)
- تراوش سیاه نگاهش: زمزمه سبز علف ها: حسآمیزی / تصویر
- گور بود از سبزه زار رنگ ها، زورق بستر فراز موج خواب (ص ۱۵۷)
- سبزه زار رنگ ها: تصویر
- باغ، سرشار از تراوش های سبز (ص ۱۸۱) تراوش های سبز: حسآمیزی
- او درونش سبز تر، سرشار تر (ص ۱۸۱) او درونش سبز تر، سرشار تر: تصویر
- آبی بلند را می اندیشم، و هیاهوی سبز پایین را (ص ۲۰۳)
- هیاهوی سبز پایین: حسآمیزی / تصویر
- ترنم سبز می شکافت (ص ۲۰۴) ترنم سبز: حسآمیزی / تصویر ناب
- به نی ها تن می ساییم، و به لالایی سبز شان،
- گهواره روان را نوسان می دهیم (ص ۲۰۴)
- لالایی سبز: حسآمیزی / تصویر ناب
- باغ ما شاید، قوسی از دایره سبز سعادت بود (ص ۲۷۵)
- سبز سعادت: حسآمیزی / تصویر
- من به آغاز زمین نزدیکم / نبض گل ها را می گیرم
- آشنا هستم با، سرنوشت تر آب، عادت سبز درخت (ص ۲۸۷)
- عادت سبز درخت: تشخیص / حسآمیزی / تصویر ناب
- و بیاریم سبذ / ببریم این همه سرخ، این همه سبز (ص ۲۹۳)
- این همه سرخ، این همه سبز: تصویر
- پشت سر پنجره سبز صنوبر بسته است (ص ۲۹۵)
- پنجره سبز: صفت و موصوف، تصویر

- و اسب یادت هست / سپید بود / و مثل واژه پاک، / سکوت سبز چمن زار را
چرا می کرد (ص ۲۰۵) سکوت سبز: حسّامیزی / تصویر
- و در کدام بهار / درنگ خواهی کرد / و سطح روح پُراز برگ سبز خواهد شد
(ص ۲۱۱) برگ سبز: معنای دستوری / تصویر
- چه اتفاق افتاد / که خواب سبز ترا سارها درو کردند؟ (ص ۲۱۲)
خواب سبز: حسّامیزی / تصویر
- حضور سبز قبایی میان شبدرها / خراش صورت احساس را مرمت کرد
(ص ۲۱۳) تصویر ناب
- سفر مرا به زمین های استوایی برد / و زیر سایه آن "بانیان" سبز تنومند
(ص ۲۱۹) تصویر ناب
- حجم سبز (عنوان کتاب) (ص ۲۲۹) نماد / تصویر ناب
- دست هایت، ساقه سبز پیامی را می داد به من (ص ۲۳۲)
تشخیص / تصویر
- فرصت سبز حیات، به هوای خنک کوپستان می پیوست (ص ۲۳۲)
حسّامیزی / تصویر
- خواهم آمد، پیش اسبان، گاو، / علف سبز نوازش خواهم ریخت (ص ۲۴۰)
علف سبز نوازش: تشبیه / حسّامیزی / تصویر
- من چه سبزم امروز / و چه اندازه تنم هشیار است (ص ۲۵۰)
چه سبزم امروز: تصویر / نماد
- کوچه باغی است که از خواب مرا سبز تراست (ص ۲۵۹)
تشبیه / تصویر
- و نسیمی خنک از حاشیه سبز / خواب مرا می روید (ص ۲۹۱)
تشخیص / تصویر ناب
- صدای تو سبزینه آن گیاه عجیبی است
که در انتهای صمیمیت حزن می روید (ص ۲۹۵) تشبیه / تصویر ناب
- سجود سبز محبت را / چنان سری ادا کرد (ص ۲۰۰) حسّامیزی / تصویر ناب

- ای میان سخن های سبز نجومی (ص ۲۳۳) حسآمیزی / تصویر
- ای عجیب قشنگ... / مثل خوابی پراز لکنت سبز یک باغ (ص ۲۳۸)
- حسآمیزی / تصویر
- باغ سبز تقرب / تا کجای کویر / صورت ناب یک خواب شیرین؟ (ص ۲۵۳)
- باغ سبز تقرب: تشبیه / تصویر؛ خواب شیرین: حسآمیزی
- از خانه به در، از کوچه برون، تنهایی ما سوی خدا می رفت
- در جاده، درختان سبز، گل ها و، شیطان نگران:
- اندیشه رها می رفت (ص ۲۳۵.۶) تنهایی: تشخیص، تصویر
- بین درخت و ثانیة سبز / تکرار لاجورد / با حسرت کلام می آمیزد (ص ۲۲۷)
- تکرار لاجورد: حسآمیزی / تصویر
- چشم هایش / نقی تقویم سبز حیات است (ص ۲۳۹)
- تشبیه / حسآمیزی / تصویر
- باد می آمد از سمت زنبیل سبز کرامت (ص ۲۴۴)
- زنبیل سبز کرامت: تشبیه / تصویر

رنگ "سپید":

سپید رنگی است که ترکیب همه رنگهای طیف قابل دیدن است، البته شمول درست آن سپید است. رنگ سپید نماد اخلاص، پاکی و سادگی است. بسامد رنگ "سپید" را هشت کتاب را ملاحظه فرمایید:

- در دور دست / قویی پریده بیگاه از خواب
- شوید غبار نیل ز بال و پر سپید (ص ۱۷) صفت و موصوف / تصویر
- لبریز موج زمزمه در بستر سپید (ص ۱۸) صفت و موصوف / تصویر
- شبتاب می فروزد در آذر سپید (ص ۱۸) تصویر
- مرداب می گشاید چشم تر سپید (ص ۱۸) تصویر
- گویی بر آبوس درخشد زر سپید (ص ۱۸) تصویر
- کاخی بلند ساخته با مرمر سپید (ص ۱۹) صفت و موصوف / تصویر
- عبور ابر سپیدی (ص ۲۲) صفت و موصوف / تصویر

- شب پر خواهش/ و پیکر گرم افق عریان بود/
- رگه سپید مرمر سبز چمن زمزمه می کرد (ص ۸۰) تشخیص / تصویر
- سپیدی های فریب
- روی ستون های بی سایه رهز می خوانند (ص ۸۴) نماد / تصویر
- شوکران بنفش خورشید را/ در جام سپید بیابان ها لحظه لحظه نوشیدم
- (ص ۹۸.۷) جام سپید بیابان: تشبیه / تصویر
- قافله از رودی کم ژرفا گذشت/ سپیده دم روی موج ها ریخت (ص ۱۳۳)
- تصویر
- باترس و شیفتگی، در برکه فیروزه گون/ گل های سپید می کنی (ص ۱۱۳)
- تصویر
- کنار مکان بودیم، شبم دیگر سپیده همی بارید (ص ۱۹۸) تصویر
- واسب یادت هست / سپید بود / و مثل واژه پاکی، سکوت سبز چمن زار را چرا
- می کرد (ص ۲۰۵) تصویر
- ولی مکالمه یک روز محو خواهد شد/ و شاهراه هوا را/ شکوه شاه پرك های
- انتشار حواس/ سپید خواهد کرد (ص ۲۲۲.۲۱) نماد / تصویر
- دقیقه های مرا تا کبوتران مکرر/ در آسمان سپید غریزه اوج دهید (ص ۲۲۷)
- آسمان سپید: صفت و موصوف / تصویر
- باید بود/ ورد روایت را/ تافتن سپید دنبال کرد (ص ۲۱۹) تصویر
- ای حرمت سپیدی کاغذ (ص ۲۲۷) حرمت سپیدی کاغذ: نماد
- صورتش مثل یک تکه تعطیل عهد دبستان سپید است (ص ۲۳۹) نماد
- لک لک/ مثل یک اتفاق سفید/ بر لب برکه بود (ص ۲۵۳) نماد

رنگ "سیاه":

سیاه یا مشکی رنگی است که نور هیچ قسمتی از طیف قابل رؤیت را بازتاب نمی کند. به تعریفی دیگر سیاه حاوی همه رنگها در طیف قعابل رؤیت است، و گاه آن را "رنگ بی فام" نیز می گویند. رنگ سیاه نماد از جدیت و محافظه کاری است و در عین حال نشانگر رمزیت نیز می

باشد. کاربرد رنگ سیاه را در هشت کتاب می بینیم:

- در پس پرده ای از گردوغبار سیاه/ نقطه ای لرزد از دور سیاه (ص ۲۶)
تصویر
- مرغ سیاه آمد از راه های دور (ص ۵۵) صفت و موصوف
- او را بگو: نسیم سیاه چشمانت را نوشیده ام (ص ۸۴)
حسامیزی/ تصویر ناب
- و از مرز هستی من بگذر/ سیاه سرد بی تپش گنگ (ص ۹۰) تصویر
- مار سیاه ساقه این گل/ در رقص نرم و لطیفی زنده بود (ص ۹۲)
صفت و موصوف
- گفתי جوهر سوزان رقص/ در گلوی این مار سیاه چکیده بود (ص ۹۲)
صفت و موصوف
- نگاهم به تار و پود سیاه ساقه گل چسبید/ درختی تابان/
پیکرم را ریشه سیاهش بلعید (ص ۱۳۴) تصویر/ نماد
- آن طرف سیاهی من پیدااست
- روی بام گنبذی کاهگلی ایستاده ام شبیه غمی (ص ۱۳۹) تصویر/ نماد
- "شاسوسا" وزش سیاه و برهنه! / خاک زندگیم را فرا گیر (ص ۱۴۱)
تصویر/ نماد
- به شبی نزدیکم، سیاهی من پیدااست (ص ۱۴۲) تصویر/ نماد
- بازی های کودکی ام، / روی این سنگ های سیاه پلاسیدند (ص ۱۴۲)
صفت و موصوف/ تصویر
- "شاسوسا" روی مرمر سیاهی رویده بود (ص ۱۴۳)
صفت و موصوف/ تصویر
- تراوش سیاه نگاهش باز مزه سبز علف ها آمیخت (ص ۱۵۵)
حسامیزی/ تصویر
- و هر آن به مار سیاهی می نگری، گلچین بی تاب! (ص ۱۶۳)
صفت و موصوف

- سیاه ترین ماران می رقصند (ص ۱۶۶) صفت و موصوف / تصویر
- سیاهی خاری میان چشم و تماشایی گذرد (ص ۱۶۸) نماد / تصویر
- فریاد ریشه را در سیاهی فزا روشن کردی / بر تب شکوفه شبیخون زدی /
باغبان هول انگیز! (ص ۱۷۱) تصویر
- سیاهی رفت، سر به آبی آسمان سودیم / درخور آسمانها شدیم (ص ۱۹۳)
تصویر
- سیاهی بود و ستاره ای / هستی بود و زمزمه ای (ص ۲۱۲.۱۱) تصویر
- زندگی نو بر انجیر سیاه، در دهان کس تابستان است (ص ۲۹۰)
صفت موصوف / تصویر
- سفر پر از سیلان بود / و از تلاطم صنعت تمام سطح سفر / گرفته بود و سیاه /
و بوی روغن می داد (صص ۲۱۸.۱۷) نماد / تصویر
- در وسط این همیشه های سیاه / حرف بزن خواهر تکامل خوش رنگ
(ص ۲۰۳) نماد / تصویر
- خاک سیاه در خواب / زمزمه ای می مرد، بادی می رفت، رازی می برد
(ص ۲۲۲) نماد / تصویر
- بالا رو، بالا رو، بند نگه بشکن، وهم سیه بشکن (ص ۲۲۷)
هسامیزی / نماد / تصویر
- می رفتیم، و درختان چه بلند، و تماشا چه سیاه / راهی بود از ماتاگل هیچ
(ص ۲۶۵) نماد / تصویر
- حمله هگ سیاه قلم نی به حرف سربی / حمله واژه به فک شاعر (ص ۲۸۳)
تصویر
- کاج های زیادی بلند / زاغ های زیادی سیاه (ص ۲۴۷)
صفت موصوف / نماد / تصویر

رنگ "آبی":

آبی محبوب ترین رنگهای جهانی است و نماد آسمان و اوقیانوس
و خراب صبحگاه می باشد، و افزون بر آن بیانگر اخلاص، صمیمیت و

روحانیت نیز هست. شاعر طبیعت ستای ما، آن را چگونه به کار برده است، مورد بررسی قرار می دهیم:

- پریان می رقصیدند/ و آبی جامه هاشان با رنگ افق پیوسته بود
(صص ۸۱.۸۰) آبی جامه ها: صفت و موصوف / تصویر
- و آبی پوشان نمی رقصند (ص ۸۱) تصویر
- قلب آبی کاشی ها تپید (ص ۹۳) تشخیص / تصویر
- و صدای حوریان و موهای پریشان می آمیزد/ با غبار آبی گل های نیلوفر
(ص ۱۵۰) غبار آبی گلها: تصویر ناب
- سیاهی رفت، سربه آبی آسمان سودیم، / درخور آسمانها شدیم (ص ۹۳)
- صفت و موصوف / تصویر
- آبی بلند را می اندیشم، و هیاهوی سبز پایین را (ص ۲۰۳) تصویر
- و نهرسیم چرا قلب حقیقت آبی است (ص ۲۹۲) حس آمیزی / تصویر
- زنان فاحشه در آسمان آبی شهر/ شیار روشن "جت" ها را/
- نگاه می کردند (ص ۳۱۸) صفت و موصوف / تصویر
- آسمان آبی تر/ آب، آبی تر/ من در ایوانم، رعنا سر حوض (صص ۲۳۳.۲)
- صفت و موصوف / تصویر
- بی گمان آنجا آبی، آبی است/ غنچه ای می شکفت، اهل ده با خبرند
(ص ۳۲۷) صفت و موصوف / تصویر
- آسمان آبی نیست، روز آبی بود (ص ۳۵۳)
- صفت و موصوف / نماد / تصویر
- کاج های زیادی بلند / زاغ های زیادی سیاه/ آسمان به اندازه آبی
(صص ۲۲۸.۷) تصویر ناب

رنگ "کبود" (آبی):

- مانده در دامن دشت/ خرمنی رنگ کبود (ص ۲۸)
- صفت و موصوف / تصویر

- کنده منقار ز جا چشمانش / زیر پیشانی او
- مانده دو گود کبود (صص ۲۹۸) گود کبود: تصویر
- در خلوت کبود اتاقم / هر عضو آن ز عضو دگر دور مانده است (ص ۲۹)
- حسامیزی / تصویر ناب
- بر چهره اش که هیرت ماسیده روی آن / سه حفره کبود که خالی است /
- از تابش زمان (ص ۲۹) حفره کبود: تصویر
- زخم شب می شد کبود / در بیابانی که من بودم (ص ۵۱) تصویر

رنگ "فیروزه":

- فیروزه ای رنگی میان طیف سبز و آبی است، و نماد زنان و پانوان می باشد.
- باترس و شیفتگی، در برکه فیروزه گون، گل های سپید می کنی (ص ۱۱۳)
 - تصویر ناب

رنگ "بنفش":

- بنفش نام رنگی است که معمولاً از ترکیب رنگهای آبی و قرمز به دست می آید، و نماد از اخلاص، روحانیت، دولت و ثروت و شاهنشاهیست.
- شوکران بنفش خورشید را / در جام سپید بیابان ها لحظه لحظه نوشیدم
 - (صص ۹۸، ۹۷) تصویر ناب

رنگ "لاجورد":

- لاجوردی یکی از سایه های رنگ آبی است که به رنگ سنگ لاجورد است. لاجوردی را رنگ ناب ایرانی نیز می گویند، حتی لاجوردی را به زبان انگلیسی Persian Blue می نامند.
- نه در این خاک رس نشانه ترس /
 - و نه بر لاجورد بالا نقش شگفت (ص ۱۱۸) تصویر ناب
 - انسان / در تنبلی لطیف یک مرتع /
 - با فلسفه های لاجوردی خوش بود (ص ۲۲۴) حسامیزی / تصویر ناب
 - تکرار لاجورد / با حسرت کلام می آمیزد (ص ۲۲۷) حسامیزی / تصویر ناب

رنگ "نیلی" (آبی):

نیلی نیز رنگی از خانواده آبی بین آبی و فیروزه است. هم رنگ آسمان صاف در روزهای پرنور است.

• و مهتاب از پلکان نیلی مشرق فرود آمد (ص ۸۰)

صفت و موصوف / تصویر

• غبار نیلی شب ها را هم می گرفت (ص ۹۸) صفت و موصوف / تصویر

• وای "من"، کودك تو، / در شب صخره ها، از گود نیلی بالا چه می خواست

(ص ۱۴۴) صفت و موصوف / تصویر

رنگ "سرخ" (قرمز):

سرخ یا قرمز به طیف از رنگها گفته می شود که در پایین ترین بسامد نور قابل تشخیص توسط چشم انسان قرار دارند. سرخ در کنار زرد و آبی یکی از سه رنگ اصلی است. رنگ سرخ به طور گسترده ای به عنوان نماد جرم و گناه مورد استفاده قرار می گیرد. سرخ همچنین به عنوان نماد شهوت، هوس، عشق و زیبایی نیز به کار می رود. استفاده از گل سرخ به عنوان نماد عشق نیز دیده می شود. در حالیکه در فرهنگ یونانی و یهودی رنگ سرخ را به عنوان رنگ عشق و فداکاری می شناسند. این رنگ در مسیحیت و اسلام به عنوان نماد شهید نیز به کار می رود. رنگ سرخ توجه مردم را جلب می کند و برای هشدار در مورد خطر یا موارد اضطراری استفاده می شود. می بینیم سپهری آن را چگونه به کار می برد:

• ریخته سرخ غروب / جابجا بر سر سنگ (ص ۲۷) سرخ غروب: تصویر

• پله های که به قانون فساد گل سرخ... پله های که بی سکوی تجلی می رفت

(ص ۲۸۰) قانون فساد: کنایه رمزی؛ گل سرخ: به معنای دستوری

• و بیاریم سبز / ببریم این همه سرخ، این همه سبز (ص ۲۹۳) دستوری (مجاز)

- مرگ در حنجره سرخ - گل را می خواند (ص ۲۹۱) استعاره مکنیه
- کار ما نیست شناسایی "راز" گل سرخ / کار ما شاید این است /
- که در "افسون" گل سرخ شناور باشیم (ص ۲۹۸) گل سرخ: معنای دستوری و صدا خواه هم در داد:
- ای سبدهاتان پر خواب! سیب آوردم، سیب سرخ خورشید (ص ۳۳۹)
- سیب سرخ خورشید: تشبیه، تصویر
- و من آنان را، به صدای قدیم پیک بشارت دادم / و به نزدیکی روز و به افزایش رنگ / به طنین گل سرخ، پشت پر چین سخن های درشت (صص ۳۴۵، ۴)
- گل سرخ: به معنای دستوری
- من مسلمانم / قبله ام یک گل سرخ (ص ۲۴۲)
- قبله ام یک گل سرخ: تشبیه؛ گل سرخ: به معنای دستوری
- باترس و شیفتگی، در برکه فیروزه گون، / گل های سپید می کنی (ص ۱۱۳)

رنگ "قرمز":

- و چرا در قفس هیچکس کرگس نیست / گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد (ص ۲۹۱) لاله قرمز: صفت و موصوف
- عکس آن میخک قرمز در آب (ص ۳۵۱)
- میخک قرمز: دستوری (صفت موصوف)

رنگ "صورتی":

- صورتی مخلوطی از رنگهای سرخ و سفید است و در سراسر جهان به عنوان نماد عشق و محبت شناخته می شود.
- در مسیر غم صورتی رنگ اشیا / ریگ های فراغت هنوز / برق می زد (ص ۲۴۴) صورتی رنگ: به معنای دستوری

رنگ "طلایی":

- رنگ طلایی نماد از دولت و ثروت و دانایی است، و علاوه بر آن صحت و سلامتی را نیز بیان می دارد. دوستداران رنگ طلایی متحرك و

کوشنده می باشند. طلایی رنگ میان نارنجی و زرد است. کاربرد سپهری را ملاحظه فرمایید:

- ستاره‌ای در خواب طلایی ماهیان افتاد، رشته عطر گسست،
آب از سایه افسوسی پُر شد (صص ۲۰۱، ۲۰۵) خواب طلایی: حس‌آمیزی
- همیشه با نفس تازه راه باید رفت/ و فوت باید کرد/
که پاك پاك شود صورت طلایی مرگ (طلایی مرگ: کنایه رمزی، تصویر)

رنگ “خاکستری”:

خاکستری به هر گونه طیف از رنگ‌های میان سیاه و سفید گفته می‌شود. رنگ خاکستری بیشتر در طبیعت دیده می‌شود، با رنگ خاکستری معمولاً اندوه، افسردگی و ناامیدی تداعی می‌شود. سپهری از کاربرد خاکستری نیز غافل نمانده است:

- پس از لحظه‌های دراز/ بر درخت خاکستری پنجره‌ام برگی روید (ص ۱۲۴)
تصویر ناب
- برگی از درخت خاکستری پنجره‌ام فرو افتاد (ص ۱۲۶) تصویر



یادداشتها

- (۱) “هشت کتاب” در واقع مجموعه هشت دفتر شعری سپهری است که بدین ترتیب اند: ۱. مرگ رنگ، ۲. زندگی خواب به، ۳. آوار آفتاب، ۴. شوق اندوه، ۵. صدای پای آب، ۶. مسافر، ۷. حجم سبز، ۸. ما هیچ مانگاه.
- (۲) تبسم غزل، قطعه و رباعی نیز سروده است، تک: مجموعه کامل اشعار تبسم یحشبع، به کوشش سبروس طایباز (۱۳۷۵ش)، چاپ چهارم، انتشارات نگاه، تهران، ایران.
- (۳) نخستین دفتر شعری مهدی اخوان ثالث “ارغنون” نام دارد، و واپسین دفتر شعری مهدی اخوان ثالث “تو ای کهن بوم و بو دوست دارم” نام دارد.

- (۴) نک: دیوان اشعار فروغ فروزاد، به کوشش بهروز جلالی
- (۵) نک: مجموعه های شعری شعبی کدکنی: آئینه ای بوی صدا، هزاره دوم
آپری کرپی

منابع

- . آتشی، منوچهر (۱۳۸۰ ش / ۱۴۰۱ء) حرف‌هایی در باره سپهری، شامل معرفی و شناخت سم‌واب سپهری به کوشش شهناز مرادی کرچی، نشر قطره، تهران.
- . اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۹ ش / ۱۴۰۰ء)، ارغنون، چاپ یازدهم، انتشارات مروارید، تهران، ایران.
- . ایضاً (۱۳۷۲ ش / ۱۳۹۷ء) تروای کهن بوم و بد دوست دارم، چاپ پنجم، انتشارات مروارید، تهران، ایران.
- . امامی، کریم (۱۳۸۰ ش / ۱۴۰۱ء) از آواز شقایق تا فواترها، شامل معرفی و شناخت سم‌واب سپهری به کوشش شهناز مرادی کرچی، نشر قطره، تهران، ایران.
- . براهنی رضا (۱۳۸۰ ش / ۱۴۰۱ء) آشنمایی با یک بچه لودای اشدافی، شامل معرفی و شناخت سم‌واب سپهری به کوشش شهناز مرادی کرچی، نشر قطره، تهران، ایران.
- . حسینی، صالح (۱۳۷۹ ش / ۱۴۰۰ء) نملوفر خموش، نظری به سم‌واب سپهری، چاپ پنجم، انتشارات نملوفر، تهران، ایران.
- . دانشور، سیمین (۱۳۸۰ ش / ۱۴۰۱ء) نمایشگاه سم‌واب سپهری، شامل معرفی و شناخت سم‌واب سپهری به کوشش شهناز مرادی کرچی، نشر قطره، تهران.
- . دست غیب، عبدالعلی (۱۳۸۰ ش / ۱۴۰۱ء) جهانی لب‌ریز از شور و اندیشه، شامل معرفی و شناخت سم‌واب سپهری به کوشش شهناز مرادی کرچی، نشر قطره، تهران، ایران.
- . رهنما، فریدون (۱۳۸۰ ش / ۱۴۰۱ء) تاریک و روشن سم‌واب سپهری، شامل معرفی و شناخت سم‌واب سپهری به کوشش شهناز مرادی کرچی، نشر

- قطره، تهران، ایران.
- سپهری، سه‌رواب (۱۳۷۸ ش/ ۱۹۹۹ء) پشت کتاب، چاپ بیست و سوم، کتابخانه طهری، تهران، ایران.
- شنبلیلی کدکشی، محمد رضا (۱۳۷۶ ش/ ۱۹۹۷ء) آئینه ای بر روی صداها، انتشارات سخن، تهران، ایران.
- ایضاً (۱۳۸۰ ش/ ۲۰۰۱ء) حجم سبز، شامل معرفی و شناخت سه‌رواب سپهری به کوشش شهناز مرادی کوچی، نشر قطره، تهران، ایران.
- ایضاً (۱۳۷۶ ش/ ۱۹۹۷ء) هزاره دوم آپوی کوپی، انتشارات سخن، تهران، ایران.
- شمس، سروش (۱۳۷۶ ش/ ۱۹۹۷ء) نگاهی به سه‌رواب سپهری، چاپ پنجم، انتشارات مروارید، تهران، ایران.
- صاحب‌الختباری، بهروز؛ باقرزاده، حمید رضا (۱۳۸۱ ش/ ۲۰۰۲ء) احمد شاملو، شاعر شبانه و عاشقانه‌ها، انتشارات بهرمن، تهران، ایران.
- فروغ فروزاد (۱۳۷۹ ش/ ۲۰۰۰ء) دیوان اشعار فروغ فروزاد، به کوشش بهروز جلالی، چاپ پنجم، انتشارات مروارید، تهران، ایران.
- مرادی کوچی، شهناز (۱۳۸۰ ش/ ۲۰۰۱ء) معرفی و شناخت سه‌رواب سپهری، نشر قطره، تهران، ایران.
- نفیسی، آذر (۱۳۸۰ ش/ ۲۰۰۱ء) چشم‌پاراید شست، شامل معرفی و شناخت سه‌رواب سپهری به کوشش شهناز مرادی کوچی، نشر قطره، تهران.
- نمایوشبج (۱۳۷۵ ش/ ۱۹۹۶ء) مجموعه کامل اشعار نمایوشبج، به کوشش سبوس طاهراز، چاپ چهارم، انتشارات نگاه، تهران، ایران.
- پرسنی، غلام‌حسین (۱۳۶۹ ش/ ۱۹۹۰ء) چشمه روشن، انتشارات علمی، تهران، ایران.

